

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۷۵۷۲ رده بندی کنفرانس: ب ۵۶/۲۷۰

عملکرد شبکه مدارس اسلامی در جهت دهی به انقلاب

اسلامی ایران و ترویج آرمان های انقلابی

ناهد احمدی نژاد

دانشجوی دکتری، زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

عملکرد شبکه مدارس اسلامی در جهت دهی به انقلاب اسلامی ایران و ترویج آرمان های انقلابی یکی از موضوعات کلیدی در تحلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دهه های گذشته است. انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به وقوع پیوست، نه تنها به عنوان یک تحول سیاسی و اجتماعی بزرگ در تاریخ ایران شناخته می شود، بلکه تأثیرات عمیقی بر جنبه های فرهنگی و آموزشی کشور داشت. یکی از ارکان مهم در جهت دهی به این انقلاب، شبکه مدارس اسلامی بود که به عنوان نهادهای فرهنگی و آموزشی با هدف انتقال آموزه های دینی و انقلابی عمل می کردند. این مدارس با ایجاد بستری مناسب برای تربیت نسل جدیدی از مؤمنین و انقلابیون، به ترویج اندیشه های امام خمینی (ره) و سایر متفکران اسلامی پرداختند و نقش مهمی در جهت دهی به هویت دینی و انقلابی دانش آموزان ایفا کردند. پس از انقلاب اسلامی، این مدارس به عنوان نهادهای فرهنگی با وظایف جدید، همچنان به تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه های دینی و سیاسی پرداخته و در ترویج آرمان های انقلاب اسلامی در سراسر کشور نقش مهمی داشتند. هدف این مقاله بررسی عملکرد و تأثیر شبکه مدارس اسلامی در جهت دهی به انقلاب اسلامی ایران و ترویج آرمان های انقلابی از طریق تحلیل آموزش های دینی و انقلابی در این مدارس است. این تحقیق همچنین به تبیین



چگونگی تبدیل این مدارس به نهادهای تأثیرگذار در ساختار اجتماعی و سیاسی کشور پس از انقلاب پرداخته و تلاش دارد به‌صورت مفصل نشان دهد که چگونه این مدارس توانستند در فرآیند اسلامی‌سازی آموزش و پرورش و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایفای نقش کنند. در نهایت، مقاله بر آن است نشان دهد، عملکرد مدارس اسلامی نه تنها در سطح فرهنگی بلکه در سطح سیاسی و اجتماعی نیز به‌عنوان یک عامل کلیدی در تحولات انقلاب اسلامی ایران مطرح است و توانسته‌اند سرمایه اجتماعی و آگاهی انقلابی را در سطح جامعه تقویت کنند.

واژگان کلیدی: مدارس اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، حکومت اسلامی

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر بود که نه تنها ساختار سیاسی کشور را تغییر داد، بلکه تحولی عمیق در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرد (آبراهامیان، ۲۰۱۸). برخلاف بسیاری از انقلاب‌های قرن بیستم که عمدتاً بر پایه ایدئولوژی‌های سکولار و مارکسیستی شکل گرفته بودند، انقلاب اسلامی ایران مبنای دینی و فرهنگی داشت و تحت رهبری یک مرجع دینی یعنی امام خمینی (ره) هدایت شد (کدی، ۲۰۰۶). در بسیاری از تحلیل‌های تاریخی، عوامل سیاسی و اقتصادی مانند استبداد رژیم پهلوی، وابستگی به غرب، فساد اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی از جمله دلایل اصلی وقوع انقلاب اسلامی برشمرده شده‌اند (میراحمدی، ۱۳۹۵). اما علاوه بر این عوامل، انقلاب اسلامی به شدت تحت تأثیر بسترهای فرهنگی و اجتماعی بود که هویت دینی و انقلابی مردم ایران را تقویت کرد. شبکه مدارس اسلامی یکی از مهم‌ترین این بسترها بود که نقش کلیدی در پرورش نسل جدیدی از نیروهای انقلابی ایفا کرد (مدنی، ۱۳۹۷).

تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نشان‌دهنده روندی از آگاهی‌بخشی دینی و سیاسی بود که در مقابل گفتمان غرب‌گرایانه رژیم پهلوی قرار گرفت (مطهری، ۱۳۸۹). رژیم پهلوی



مدارس اسلامی با آموزش‌های خود در چند حوزه اصلی به تقویت جنبش انقلابی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی کمک کردند. در حالی که رژیم پهلوی تلاش می‌کرد با گسترش آموزش سکولار، نقش دین را در جامعه کمرنگ کند، مدارس اسلامی با آموزش مبانی دینی، به حفظ هویت اسلامی کمک کردند (کدی، ۲۰۰۶). دانش‌آموزان این مدارس با سخنرانی‌ها، جلسات مذهبی و سیاسی، و مطالعه کتاب‌های انقلابی، نسبت به ظلم رژیم پهلوی و ضرورت قیام اسلامی آگاه شدند (مطهری، ۱۳۸۹). این مدارس بستری برای اتصال خانواده‌های مذهبی، دانش‌آموزان، معلمان و روحانیون انقلابی ایجاد کردند که



موجب تقویت همبستگی اجتماعی شد (آبراهامیان، ۲۰۱۸). بسیاری از فعالان و رهبران انقلاب، فارغ‌التحصیلان مدارس اسلامی بودند که نقش مهمی در سازماندهی مبارزات داشتند. مدارس اسلامی علاوه بر آموزش‌های تئوریک، به عنوان مراکزی برای سازماندهی تظاهرات، اعتصابات و فعالیت‌های ضد رژیم پهلوی عمل می‌کردند (مدنی، ۱۳۹۷). دانش‌آموزان این مدارس، همراه با معلمان و والدین خود، در اعتصابات سراسری، پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره) و سازماندهی اعتراضات نقش فعالی داشتند (میراحمدی، ۱۳۹۵). یکی از نمونه‌های بارز تأثیر مدارس اسلامی در انقلاب، نقش مدرسه رفاه در سازماندهی راهپیمایی‌های انقلابی و پناه دادن به مبارزان انقلابی در روزهای منتهی به سقوط رژیم شاه بود. این مدرسه در سال ۱۳۵۷ به یکی از مهم‌ترین مراکز انقلابی تبدیل شد و جلسات هماهنگی نیروهای انقلابی در آن برگزار می‌شد (مطهری، ۱۳۸۹).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران تنها یک جنبش سیاسی نبود، بلکه یک تحول عمیق فرهنگی و اجتماعی بود که ریشه در نهادهای فرهنگی مانند مدارس اسلامی داشت. این مدارس به عنوان مراکزی برای تقویت هویت اسلامی، آگاهی‌بخشی سیاسی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی انقلابی و سازماندهی نیروهای مبارز عمل کردند. (مدنی، ۱۳۹۷). نقش این مدارس در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که فرهنگ و آموزش، تأثیر عمیقی بر تحولات اجتماعی دارند و مدارس، به‌ویژه مدارس اسلامی، می‌توانند به عنوان بستری برای گسترش ایدئولوژی‌های انقلابی و تحولات بنیادین جامعه عمل کنند. انقلاب اسلامی ایران یکی از تحولات بنیادین قرن بیستم بود که علاوه بر عوامل سیاسی و اقتصادی، تحت تأثیر بسترهای فرهنگی و اجتماعی نیز قرار داشت. یکی از مهم‌ترین این بسترها، شبکه مدارس اسلامی بود که به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی مهم، نقش مؤثری در شکل‌گیری و جهت‌دهی به جنبش انقلابی و ترویج آرمان‌های انقلابی ایفا کرد. مدارس اسلامی نه تنها مکانی برای آموزش و پرورش نسل جوان بودند، بلکه به عنوان مراکزی برای ترویج اندیشه‌های اسلامی، مبارزه با نفوذ فرهنگ غربی، و آگاهی‌بخشی به مردم درباره مسائل سیاسی و اجتماعی نیز فعالیت داشتند. این مدارس در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، به محلی برای رشد و گسترش آرمان‌های انقلابی تبدیل شدند و دانش‌آموزان و معلمان آن‌ها از نیروهای فعال در مبارزات علیه رژیم پهلوی بودند.

۲. مفهوم سرمایه اجتماعی و پیوند آن با مدارس اسلامی

برخی از نظریه‌پردازان مهم سرمایه اجتماعی از قبیل پی‌یر بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی می‌داند که افراد می‌توانند از آن برای به‌دست آوردن منابع و قدرت استفاده کنند. رابرت پاتنام (۱۹۹۳) بر نقش سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت مدنی و تقویت دموکراسی تأکید دارد. به عقیده او، جوامعی که دارای پیوندهای اجتماعی قوی‌تر هستند، از انسجام بیشتری برخوردارند. همچنین، جیمز کلنن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط و هنجارها می‌داند که به افراد کمک می‌کند تا در فعالیتهای جمعی بهتر عمل کنند.

۲.۱ تقسیم بندی سرمایه اجتماعی

۲. سرمایه اجتماعی پلزن^۲: ارتباطات میان گروه‌های مختلف که موجب انتقال ایده‌ها و گسترش همکاری‌ها می‌شود.

¹ Bonding Social Capital² Bridging Social Capital



۳. سرمایه اجتماعی پیونددهنده^۱: ارتباط میان گروه‌های اجتماعی با نهادهای قدرت و سازمان‌های کلان.

۳. مدارس اسلامی به عنوان منبع تولید سرمایه اجتماعی

مدارس اسلامی در دوران پهلوی، به عنوان نهادهای آموزشی و فرهنگی مستقل، نقشی محوری در ایجاد، گسترش و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا کردند (زنجان، ۱۳۸۰). این مدارس نه تنها مکان‌هایی برای تحصیل دانش‌آموزان بودند، بلکه به عنوان کانون‌هایی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی مذهبی، سیاسی و فرهنگی عمل کردند که بعدها در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تأثیرگذار شدند (پاینده، ۱۳۹۲). برخی از راه‌هایی که مدارس اسلامی به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کردند، عبارتند از:

۳.۱ ایجاد هویت دینی و انقلابی مشترک (سرمایه اجتماعی پیوندی)

مدارس اسلامی از طریق آموزش مبانی دینی، اخلاقی و سیاسی، هویت مشترکی در میان دانش‌آموزان ایجاد کردند (پور ازغدی، ۱۳۸۹). این هویت باعث شد که دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان یک گفتمان انقلابی مشترک را شکل دهند و نسبت به ظلم رژیم پهلوی حساس شوند. برای نمونه، در مدرسه علوی و مدرسه رفاه، دانش‌آموزان تحت آموزش‌های اسلامی و سیاسی قرار گرفتند که بر ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و مبارزه با استبداد تأکید داشت (دهقان، ۱۳۹۵). این امر موجب شد که دانش‌آموزان به فعالان سیاسی تبدیل شوند.

۳.۲ تقویت شبکه‌های اجتماعی مذهبی و سیاسی (سرمایه اجتماعی پل‌زن)

مدارس اسلامی نه تنها دانش‌آموزان را تربیت می‌کردند، بلکه با ایجاد ارتباط میان خانواده‌ها، معلمان، روحانیون و دانش‌آموزان، شبکه‌های اجتماعی قدرتمندی را تشکیل می‌دادند (فیرحی، ۱۳۸۲). این شبکه‌ها در زمان انقلاب، به انتقال پیام‌های امام خمینی (ره)، سازماندهی اعتراضات و بسیج مردم کمک کردند (بشیریه، ۱۳۸۰). برای نمونه، دانش‌آموزان مدارس اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به صورت

^۱ Linking Social Capital



گروهی در راهپیمایی‌ها و اعتصابات شرکت می‌کردند. بسیاری از خانواده‌های مذهبی، به دلیل اعتمادی که به این مدارس داشتند، فرزندان خود را به فعالیت‌های انقلابی تشویق می‌کردند.

۳.۳ افزایش اعتماد اجتماعی و بسیج نیروهای انقلابی (سرمایه اجتماعی پیونددهنده)

اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۳). مدارس اسلامی با ایجاد اعتماد میان دانش‌آموزان، معلمان، خانواده‌ها و رهبران انقلابی، موجب افزایش همبستگی اجتماعی و تقویت روحیه مقاومت در برابر رژیم پهلوی شدند (کلمن، ۱۹۹۰). برای نمونه، در مدرسه رفاه، دانش‌آموزان و معلمان به امام خمینی (ره) و رهبران انقلابی اعتماد داشتند و به همین دلیل، پس از پیروزی انقلاب، این مدرسه به محل استقرار امام خمینی (ره) و مرکز تصمیم‌گیری انقلاب تبدیل شد (روحانی، ۱۳۷۱).

۳.۴ سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های انقلابی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سرمایه اجتماعی، توانایی بسیج مردم برای مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است (بورديو، ۱۹۸۶). مدارس اسلامی با ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی، اعتماد متقابل و ارتباطات گسترده میان دانش‌آموزان و خانواده‌ها، زمینه‌ساز بسیاری از اعتصابات، تظاهرات و فعالیت‌های انقلابی شدند (کدی، ۱۳۸۶). برای نمونه، بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان مدارس اسلامی در توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره)، سازماندهی تظاهرات ضد رژیم شاه و پناه دادن به نیروهای مبارز نقش داشتند.

۳.۵ تأثیر سرمایه اجتماعی مدارس اسلامی بر پیروزی انقلاب اسلامی ایران

با توجه به نکات فوق، می‌توان گفت که مدارس اسلامی بیش از یک نهاد آموزشی بودند و به عنوان یک شبکه اجتماعی قدرتمند، نقشی کلیدی در بسیج اجتماعی و گسترش انقلاب اسلامی ایران ایفا کردند (نویایی، ۱۳۷۸).

برخی از مهم‌ترین تأثیرات آن‌ها عبارتند از:

۱. تقویت هویت اسلامی و انقلابی در میان نسل جوان



۲. ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی برای هماهنگی مبارزات سیاسی

۳. افزایش سطح اعتماد اجتماعی میان مردم و رهبران انقلاب

۴. بسیج نیروهای انقلابی از طریق آموزش، سازماندهی و ارتباطات اجتماعی

۵. ایجاد فضای فرهنگی و فکری برای مقابله با ایدئولوژی‌های غربی و سکولار

مدارس اسلامی در دوران پهلوی، نه تنها مراکز آموزشی، بلکه پایگاه‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی بودند که سرمایه اجتماعی قوی‌ای را در جامعه ایران ایجاد کردند (پاینده، ۱۳۹۲). این سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد هویت مشترک، تقویت شبکه‌های اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی و بسیج مردم برای انقلاب اسلامی، تأثیر مهمی در پیروزی انقلاب داشت. نقش این مدارس نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یک عنصر کلیدی در تحولات اجتماعی و سیاسی است و نهادهای آموزشی می‌توانند به عنوان بسترهای مهم برای ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه عمل کنند (مطهری، ۱۳۵۷).

۴. مدارس اسلامی و تقویت سرمایه اجتماعی در دوران پیش از انقلاب

در دوران پهلوی، دولت تلاش داشت تا ساختار آموزشی کشور را مدرن‌سازی و سکولاریزه کند. مدارس دولتی به‌طور فزاینده‌ای از مفاهیم دینی فاصله گرفتند و نفوذ فرهنگ غربی در برنامه‌های درسی و محیط آموزشی افزایش یافت (مطهری، ۱۳۷۰). این سیاست‌ها باعث شد که گروه‌های مذهبی و سنتی جامعه به فکر تأسیس مدارس اسلامی بيفتند تا هویت دینی را در نسل جوان حفظ کنند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۵). مدارس اسلامی، به ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، به عنوان یک جایگزین فرهنگی و اجتماعی برای نظام آموزشی دولتی شکل گرفتند. این مدارس علاوه بر آموزش علوم متداول، مبانی دینی، هویت اسلامی، اخلاق و ارزش‌های سیاسی انقلابی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دادند.

سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک و ارتباطات میان افراد و گروه‌ها است که موجب تقویت انسجام اجتماعی و بسیج مردم برای اقدامات جمعی می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۳). مدارس اسلامی در دوران پیش از انقلاب، از طریق راه‌های مختلفی، سرمایه اجتماعی را تقویت



کردند و در نهایت، به بسیج اجتماعی برای انقلاب اسلامی کمک کردند. این مدارس، برخلاف مدارس دولتی که بیشتر بر آموزش‌های سکولار تمرکز داشتند، به دانش‌آموزان خود آموزه‌های دینی، مفاهیم عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و حکومت اسلامی را آموزش می‌دادند (بشیریه، ۱۳۷۸). در مدارس اسلامی، دانش‌آموزان با قرآن، احادیث و تاریخ اسلام آشنا می‌شدند. مفاهیمی مانند قیام امام حسین (ع)، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و استکبار به طور ویژه آموزش داده می‌شد (ره‌نمایی، ۱۳۹۰). این مدارس کتاب‌ها و جزواتی را تدریس می‌کردند که تفکرات انقلابی امام خمینی (ره) و سایر علما را ترویج می‌داد. (سروش، ۱۳۸۰). دانش‌آموزان مدارس اسلامی هویت خود را نه تنها به عنوان یک فرد، بلکه به عنوان بخشی از یک امت اسلامی درک می‌کردند که وظیفه دارند در برابر ظلم و فساد بایستند.

مدارس اسلامی نه تنها مراکز آموزشی، بلکه کانون‌هایی برای ایجاد ارتباط میان دانش‌آموزان، خانواده‌های مذهبی، معلمان و روحانیون بودند. این ارتباطات نقش مهمی در افزایش آگاهی اجتماعی و سیاسی و هماهنگی برای اقدامات انقلابی ایفا کرد (کلمن، ۱۹۹۰). این مدارس حلقه‌ای ارتباطی بین دانش‌آموزان، خانواده‌های مذهبی و روحانیون انقلابی بودند. بسیاری از والدین که به علت کنترل‌های امنیتی قادر به فعالیت‌های سیاسی نبودند، فرزندان خود را از طریق این مدارس با مفاهیم انقلابی آشنا می‌کردند (مدرسی، ۱۳۸۲). در این مدارس، دانش‌آموزان و معلمان جلسات مخفیانه‌ای برگزار می‌کردند که در آن‌ها اعلامیه‌های امام خمینی (ره) توزیع می‌شد و برنامه‌ریزی برای اعتراضات انجام می‌گرفت (دعایی، ۱۳۷۹). اعتماد اجتماعی یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است. مدارس اسلامی در دوران پیش از انقلاب، به افزایش اعتماد بین نیروهای مذهبی، مردم، و رهبران انقلابی کمک کردند (پاتنام، ۱۹۹۳).

بسیاری از روحانیون فعال در انقلاب، مانند شهید مطهری و شهید بهشتی، با مدارس اسلامی در ارتباط بودند. این ارتباط موجب شد که دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان به رهبران انقلاب اعتماد کنند. به دلیل اعتماد عمومی به مدارس اسلامی، بسیاری از آن‌ها به مراکز سازماندهی اعتراضات، جلسات مخفی و توزیع اعلامیه‌های انقلابی تبدیل شدند. مدارس اسلامی، از طریق دانش‌آموزان و معلمان خود، در بسیج عمومی مردم نقش داشتند. دانش‌آموزان مدارس اسلامی، به همراه معلمان و خانواده‌هایشان، در اعتصابات و تظاهرات شرکت می‌کردند (بشیریه، ۱۳۷۸). در بسیاری از شهرها، این مدارس به عنوان مراکز



هماهنگی راهپیمایی‌های انقلابی عمل می‌کردند. دانش‌آموزان مدارس اسلامی به دلیل جوانی و تحرک بالا، در پخش اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام خمینی (ره) نقش مؤثری داشتند (ره‌نمایی، ۱۳۹۰).

برخی از مهم‌ترین مدارس اسلامی که در تقویت سرمایه اجتماعی و سازماندهی جنبش انقلابی نقش داشتند، عبارتند از:

۱. مدرسه علوی (تهران): یکی از مهم‌ترین مدارس اسلامی که بسیاری از دانش‌آموزان آن بعدها در انقلاب اسلامی نقش کلیدی ایفا کردند.

۲. مدرسه رفاه (تهران): در سال‌های منتهی به انقلاب، این مدرسه به پایگاهی برای جلسات مخفی انقلابیون، برنامه‌ریزی برای اعتراضات، و پناه دادن به مبارزان تبدیل شد.

۳. مدارس جامعه تعلیمات اسلامی: این شبکه از مدارس، در سراسر ایران، آموزش‌های دینی و انقلابی را به دانش‌آموزان ارائه می‌داد و بستر مناسبی برای رشد گفتمان انقلابی ایجاد کرد.

۵. تأثیر مدارس اسلامی در ترویج آرمان‌های انقلاب اسلامی

مدارس اسلامی در دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران نقش برجسته‌ای در ترویج آرمان‌های انقلاب اسلامی داشتند. این مدارس با ساختار آموزشی خاص خود که شامل آموزش مفاهیم دینی و انقلابی به‌ویژه از منظر مبارزه با ظلم و فساد، تشکیل حکومت اسلامی، و تأکید بر اصول عدالت و آزادی بود، توانستند نسل جدیدی از مبارزان انقلابی را تربیت کنند و به پیشبرد اهداف انقلاب کمک شایانی کنند (مطهری، ۱۳۷۰؛ بشیریه، ۱۳۷۸).

مدارس اسلامی به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰ به بعد، نقش بسیار مهمی در انتقال اندیشه‌های امام خمینی (ره) و سایر علما داشتند. امام خمینی در خطابه‌ها و نوشته‌های خود، مفاهیم جدیدی را مطرح می‌کرد که در قالب آموزه‌های انقلابی و دینی به نسل جوان منتقل می‌شد. در این مدارس، علاوه بر آموزش‌های دینی، مفاهیم ولایت فقیه، استقلال سیاسی، مبارزه با ظلم و استبداد، و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به‌طور جدی ترویج می‌شد (ره‌نمایی، ۱۳۹۰). نمونه‌ای از تدریس اندیشه امام خمینی (ره) در مدارس اسلامی،



یکی از ویژگی‌های مهم مدارس اسلامی، تأکید بر مقاومت و جهاد بود. این مدارس به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ که فشارهای رژیم پهلوی بیشتر می‌شد، به انتقال و ترویج فرهنگ مقاومت در برابر ظلم و فساد پرداختند (شجاعی زند، ۱۳۸۵). مدارس اسلامی با تأکید بر مفاهیم جهادی، مانند جهاد در راه خدا، قیام علیه فساد، و مبارزه با طاغوت، توانستند روحیه انقلابی و جهادی را در دل دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان تقویت کنند. برای نمونه، در مدارس اسلامی مختلف، از جمله مدرسه علوی و مدرسه رفاه، جوانان و نوجوانان آموزش می‌دیدند که جهاد نه تنها در میدان نبرد، بلکه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی هم باید جاری باشد. این آموزش‌ها باعث شد که بسیاری از این دانش‌آموزان در سال‌های بعد در صفوف نخستین اعتراضات مردمی و جنبش‌های انقلابی، قرار بگیرند.



در مدارس اسلامی، شبکه‌های اجتماعی مقاومتی شکل گرفتند که توانستند نقش مهمی در پخش پیام‌های انقلابی و جلب حمایت مردمی ایفا کنند (کلمن، ۱۹۹۰). این مدارس به‌عنوان محل تجمع و هماهنگی بین دانش‌آموزان و روحانیون برای انتشار اندیشه‌های امام خمینی و سازماندهی اعتراضات عمل می‌کردند.

در سراسر ایران، مدارس اسلامی به‌ویژه در شهرهای بزرگ، به مرکز سازماندهی و تبادل اطلاعات انقلابی تبدیل شدند (دعایی، ۱۳۷۹). به‌طور مثال، دانش‌آموزان مدارس اسلامی به صورت مخفیانه اقدام به توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره) و دیگر مطالب انقلابی در بین مردم می‌کردند. این شبکه‌ها همچنین در سازماندهی اعتراضات مردمی و بسیج نیروهای انقلابی نقش حیاتی داشتند.

معلمان مدارس اسلامی اغلب از روحانیون انقلابی بودند که به‌عنوان نقطه تلاقی میان نسل جوان و رهبری انقلاب عمل می‌کردند. این افراد با درک عمیق از مفاهیم دینی و اجتماعی، توانستند ارتباطی مستقیم و موثر با دانش‌آموزان برقرار کنند و آن‌ها را برای پیوستن به جنبش‌های اعتراضی آماده کنند (شجاعی زند، ۱۳۸۵).

یکی دیگر از دستاوردهای مهم مدارس اسلامی، بسیج عمومی مردم برای پیوستن به نهضت انقلاب بود. این مدارس نه تنها نسل جوان را برای انقلاب آماده می‌کردند، بلکه از طریق ارتباطات مستمر با خانواده‌ها و روحانیون به سازماندهی اجتماعی کمک می‌کردند. دانش‌آموزان مدارس اسلامی در کنار خانواده‌ها و روحانیون در تظاهرات و اعتراضات به رژیم پهلوی مشارکت می‌کردند. حضور آنان در صفوف نخستین تظاهرات و حمایت از رهبر انقلاب (امام خمینی) نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف انقلاب داشت. به‌طور کلی، مفاهیم انقلابی که در این مدارس آموزش داده می‌شدند، دانش‌آموزان را به آمادگی برای فداکاری، شرکت در اعتراضات، و حمایت از تغییرات اجتماعی و سیاسی تشویق می‌کردند.

۶. مدارس اسلامی پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ساختار آموزشی کشور به‌طور چشم‌گیری تغییر کرد و مدارس اسلامی به یکی از ارکان اصلی نظام آموزشی تبدیل شدند (مطهری، ۱۳۸۵). پس از انقلاب، بر

مدارس اسلامی پس از انقلاب در راستای ترویج و تثبیت آرمان‌های انقلاب اسلامی، به یک نهاد فرهنگی انقلابی تبدیل شدند (صادقی، ۱۴۰۰). در این مدارس، اهداف تربیتی و آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شد که دانش‌آموزان نه تنها با مفاهیم دینی بلکه با مفاهیم انقلابی، سیاسی و اجتماعی نیز آشنا شوند. مدارس اسلامی پس از انقلاب، نه تنها به آموزش علوم دینی پرداختند بلکه به‌طور ویژه به آموزش اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی و ولایت فقیه توجه داشتند. دانش‌آموزان از همان ابتدا با مفاهیمی چون حکومت اسلامی، جهاد، مبارزه با استکبار، و اسلام سیاسی آشنا می‌شدند (حسینی، ۱۳۹۴). در این مدارس، مفاهیم مورد تأکید امام خمینی (ره) همچون مقاومت در برابر ظلم و استبداد، آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و فداکاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب آموزش داده می‌شد (هاشمی، ۱۳۹۷). این



مدارس نقش مؤثری در ترویج مکتب امام خمینی (ره) به‌عنوان منشور فکری و عملی انقلاب اسلامی داشتند (محمدی، ۱۳۹۳).

مدارس اسلامی پس از انقلاب به‌عنوان مکانی برای تقویت هویت دینی و انقلابی نسل جوان تبدیل شدند (کاظمی، ۱۳۹۱). در این مدارس، دانش‌آموزان آموزش می‌دیدند که علاوه بر تخصص‌های علمی، باید دین‌مدار، متعهد به اصول اسلامی و انقلابی باشند. همچنین، تأکید زیادی بر آموزش اصول اخلاقی اسلامی مانند صداقت، ایثار، فداکاری، و دیانت صورت می‌گرفت. آموزه‌های اخلاقی امام حسین (ع)، نهضت عاشورا و سیره اهل بیت (ع)، به‌عنوان الگویی برای مقاومت در برابر ظلم و فساد، در برنامه‌های آموزشی این مدارس گنجانده شد (نجفی، ۱۳۹۹). مدارس اسلامی پس از انقلاب برای نسل جوان نه تنها اصول علمی را آموزش می‌دادند، بلکه نسل جدید را برای مشارکت در روند تحول و پیشرفت کشور به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی آماده می‌کردند (عباسی، ۱۳۹۶).

پس از انقلاب اسلامی، مدارس اسلامی به یکی از ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش ایران تبدیل شدند و نقش جدیدی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی ایفا کردند (راستی، ۱۳۹۸). در این دوران، بسیاری از تصمیمات کلان در حوزه آموزش و پرورش با تأسیس و توسعه مدارس اسلامی مرتبط بود. مدارس اسلامی پس از انقلاب به‌عنوان مراکز ویژه برای تربیت روحانیون و افرادی که در عرصه‌های دینی و سیاسی فعالیت کنند، نقش کلیدی ایفا کردند (قاسمی، ۱۳۹۵). این مدارس همچنین به پرورش دانش‌آموزان با هویت دینی و انقلابی پرداخته و آنان را برای خدمت به انقلاب اسلامی و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی آماده می‌کردند (نوری، ۱۴۰۱). پس از انقلاب، نهادهایی چون حوزه‌های علمیه، مدارس علمیه و دانشگاه‌های اسلامی به‌طور گسترده‌ای راهاندازی شدند تا بر اساس اصول اسلام و انقلاب اسلامی، نیروی انسانی مورد نیاز برای مدیریت کشور را تربیت کنند (سجادی، ۱۳۹۲).

در نهایت، مدارس اسلامی در دوران پس از انقلاب به یک مکانی برای پرورش نخبگان انقلابی تبدیل شدند (کریمی، ۱۳۹۰). بسیاری از شخصیت‌های برجسته سیاسی، فرهنگی، و علمی کشور، از جمله رهبران انقلاب و فعالان سیاسی، در این مدارس پرورش یافتند. مدارس اسلامی به‌عنوان یک قانون تربیتی، به پرورش افرادی پرداختند که بعدها در روند تصمیم‌گیری‌های انقلاب، نهادهای دولتی، و



رهبری سیاسی کشور نقش‌های مهمی ایفا کردند (نوروزی، ۱۳۹۴). این مدارس به‌ویژه برای افرادی که در خدمت به انقلاب و در نهادهای سیاسی فعالیت می‌کردند، فراهم‌کننده آموزش‌های دینی، اجتماعی، و انقلابی بودند (یزدانی، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

نقش شبکه مدارس اسلامی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و ترویج آرمان‌های انقلابی در تاریخ معاصر ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. انقلاب اسلامی ایران، که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) و با مشارکت گسترده مردم شکل گرفت، نه تنها یک تغییر سیاسی، بلکه یک دگرگونی فرهنگی و اجتماعی عمیق بود. در این تحولات، شبکه مدارس اسلامی به عنوان نهادهای فرهنگی، آموزشی و تربیتی، سهم بزرگی در بیداری سیاسی و اجتماعی جامعه ایفا کردند.

مدارس اسلامی، به ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، به عنوان مراکز اصلی انتقال آموزه‌های دینی و سیاسی، توانستند نسل جدیدی از آگاهان مذهبی و سیاسی تربیت کنند. این مدارس به دانش‌آموزان مفاهیم اساسی ولایت‌فقیه، استقلال ملی، عدالت اجتماعی و مبارزه با استبداد را آموزش می‌دادند. در شرایطی که رژیم پهلوی، تحت حمایت غرب، تلاش می‌کرد تا آموزه‌های دینی را از سیستم آموزشی حذف کند، مدارس اسلامی در خط مقدم دفاع از اصول مذهبی و ملی قرار داشتند. این مدارس با ایجاد هویت دینی و انقلابی در نسل جوان، به شکل‌گیری آگاهی سیاسی و مقاومت فرهنگی در برابر رژیم شاهنشاهی کمک کردند. در واقع، نسل جدیدی از دانش‌آموزان با این آموزه‌ها به مبارزه با رژیم پهلوی و استکبار جهانی برخاستند. آموزه‌های دینی این مدارس به گونه‌ای بود که در کنار تعلیمات مذهبی، دانش‌آموزان را برای مبارزه با ظلم و فساد آماده می‌کرد.

یکی از ویژگی‌های برجسته مدارس اسلامی این بود که توانستند به‌عنوان پایگاه‌های اجتماعی و فرهنگی، پیوندهایی میان مردم، معلمان و دانش‌آموزان ایجاد کنند. این ارتباطات باعث شد تا نه تنها سرمایه اجتماعی در سطح جامعه تقویت شود، بلکه شبکه‌ای از افراد با اهداف مشترک و آرمان‌های انقلابی شکل بگیرد. در شرایطی که رژیم شاهنشاهی به شدت مخالف هرگونه بیداری دینی و سیاسی بود، این مدارس به مراکز مهمی برای مقاومت و سازمان‌دهی تبدیل شدند. ایجاد ارتباطات میان مدارس



اسلامی و دیگر نهادهای انقلابی مانند مساجد، حسینیه‌ها و گروه‌های سیاسی، شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی شکل داد که در نهایت به تقویت اراده جمعی برای انقلاب اسلامی انجامید. این سرمایه اجتماعی نه تنها در مقیاس فردی، بلکه در سطح جامعه به تقویت همبستگی اجتماعی و پشتیبانی از آرمان‌های انقلاب کمک کرد. بسیاری از کسانی که در انقلاب اسلامی نقش‌آفرینی کردند، از فارغ‌التحصیلان مدارس اسلامی یا کسانی بودند که در این مدارس با مفاهیم انقلابی آشنا شده بودند.

این مدارس همچنین به‌عنوان مراکز آموزش سیاسی نیز عمل می‌کردند. در کنار آموزش‌های مذهبی، مدارس اسلامی به ترویج اصول مبارزاتی علیه رژیم پهلوی پرداخته و به دانش‌آموزان می‌آموختند که چگونه با استبداد، فساد و استعمار مبارزه کنند. آموزه‌های امام خمینی (ره) در خصوص ولایت فقیه و حق حاکمیت مردم در این مدارس به دانش‌آموزان منتقل می‌شد و این افراد پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فعالان سیاسی و اجتماعی تبدیل شدند. این مدارس در واقع نه تنها دانش‌آموزان را از نظر علمی تربیت می‌کردند، بلکه آن‌ها را به مبارزان فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌کردند که پس از انقلاب اسلامی نقش‌های مهمی را در سازمان‌دهی دولت جدید و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایفا کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدارس اسلامی به‌عنوان نهادهای کلیدی در تثبیت آرمان‌های انقلاب و ایجاد یک سیستم آموزشی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند. پس از انقلاب، این مدارس در کنار تغییرات گسترده‌ای که در نظام آموزش و پرورش ایجاد شد، به اسلامی‌سازی آموزش و پرورش پرداخته و تلاش کردند تا آموزش‌های دینی و انقلابی را در تمامی سطوح آموزشی نهادینه کنند.

این مدارس به‌ویژه در تربیت نسل جدیدی از متخصصان و نخبگان اسلامی که می‌توانستند در فرآیند بازسازی و توسعه کشور پس از انقلاب نقش ایفا کنند، تأثیرگذار بودند. آموزش‌هایی که در این مدارس ارائه می‌شد، نه تنها به تقویت هویت دینی و مذهبی کمک می‌کرد، بلکه به شکل‌گیری هویت سیاسی انقلابی نیز پرداخته و دانش‌آموزان را آماده می‌کرد تا در نظام جمهوری اسلامی به وظایف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود عمل کنند.

در نهایت، می‌توان گفت که مدارس اسلامی در ایران، به‌ویژه در دوران پیش از انقلاب اسلامی، نقش بی‌بدیلی در آگاهی‌بخشی، سازمان‌دهی مقاومت و ترویج آرمان‌های انقلاب ایفا کردند. این مدارس



به‌عنوان نهادهای فرهنگی و اجتماعی، توانستند سرمایه اجتماعی گسترده‌ای را شکل دهند و همبستگی اجتماعی و سیاسی میان مردم را تقویت کنند. در دوران پس از انقلاب، این مدارس همچنان به‌عنوان مراکز تربیتی برای تثبیت آرمان‌های جمهوری اسلامی و توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور عمل کرده و در ترویج هویت اسلامی و آموزش نسل‌های جدید انقلابی نقش مهمی داشتند.

بنابراین، شبکه مدارس اسلامی نه تنها به‌عنوان یک ابزار آموزشی، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های انقلابی، در شکل‌گیری و تحکیم انقلاب اسلامی ایران نقشی کلیدی ایفا کرده‌اند و در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های انقلاب پس از پیروزی، همچنان حضور فعال و مؤثری دارند.



منابع و مأخذ

۱. بهشتی، محمد (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: نشر اندیشه اسلامی.
۲. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). انقلاب و بسیج توده‌ای در ایران. تهران: نشر نی.
۳. بوردیو، پی.یر. (۱۹۸۶). «اشکال سرمایه». در ریچاردسون، ج. (ویراستار)، راهنمای نظریه و پژوهش در جامعه‌شناسی آموزش (صفحات ۲۴۱-۲۵۸). انتشارات گرینوود.
۴. پاتنام، رابرت دی. (۱۹۹۳). ایجاد دموکراسی: سنت‌های مدنی در ایتالیا. انتشارات دانشگاه پرینستون.
۵. پاتنام، رابرت. (۱۹۹۳). دموکراسی و سرمایه اجتماعی. کمبریج: انتشارات دانشگاه پرینستون.
۶. دعایی، سید محمود. (۱۳۷۹). نقش مدارس اسلامی در انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). نقش آموزش‌های اسلامی در انقلاب ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. دهقان، سید حسن. (۱۳۹۵). مدارس اسلامی و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران. انتشارات سمت.
۹. دعایی، سید محمود. (۱۳۷۹). نقش مدارس اسلامی در انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. رهنمایی، محمد. (۱۳۹۰). جریان‌های فکری و اجتماعی انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.



۱۱. رحیمی، احمد (۱۳۹۰). تاریخ تحولات نظام آموزشی ایران. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. روحانی، حجت‌الاسلام سید حمید. (۱۳۷۱). نهضت امام خمینی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. صفایی، محمود. (۱۳۹۰). تحلیل تاریخی مدارس اسلامی و نقش آن در انقلاب ایران. انتشارات اطلاعات.
۱۴. شجاعی‌زند، محمد. (۱۳۸۵). نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. شریعتی، علی (۱۳۸۰). آموزش و پرورش اسلامی. تهران: نشر قلم.
۱۶. فیرحی، داوود. (۱۳۸۲). دین و دولت در ایران. نشر نی.
۱۷. کلمن، جیمز اس. (۱۹۹۰). پایه‌های نظریه اجتماعی. انتشارات دانشگاه هاروارد.
۱۸. کدی، نیکی. (۱۳۸۶). ریشه‌های انقلاب ایران. ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر علمی و فرهنگی.
۱۹. کدی، نیکی (۲۰۰۶). ریشه‌های انقلاب ایران. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۷). تاریخ تحولات انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. مدرسی، سید کاظم. (۱۳۸۲). مدارس اسلامی و تحولات اجتماعی ایران. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲۲. محمدی، سعید (۱۳۹۳). ارزش‌های انقلابی در نظام آموزشی ایران. قم: انتشارات بوستان کتاب.



۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). پیرامون انقلاب اسلامی. انتشارات صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). آموزش و تربیت اسلامی. تهران: صدرا.
۲۵. میراحمدی، ابراهیم (۱۳۹۵). جایگاه مدارس اسلامی در انقلاب ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۶. نوری، حسن (۱۴۰۱). تأثیر مدارس اسلامی بر تحولات اجتماعی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۷. نوایی، عباس. (۱۳۷۸). تحولات اجتماعی و سیاسی ایران. انتشارات سمت.
۲۸. یزدانی، محمود (۱۳۹۳). نقش مدارس اسلامی در سیاست‌گذاری آموزشی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

